



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۲۱

## تحلیلی بر فقر شهری و عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی و گسترش آن در شهر تبریز<sup>۱</sup>

مریم رضایی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)

rezaee8897@yahoo.com

علی پناهی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

panahin@yahoo.com

رضا ولی‌زاده (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)

valizadehreza60@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹

صص ۳۹-۵۵

### چکیده

امروزه، ارزیابی و تحلیل فقر شهری و شناسایی عوامل و نیروهای تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی و گسترش این پدیده، از اصول اساسی سیاست‌گذاری و مدیریت توسعه‌ی انسانی اکثر کشورها محسوب می‌گردد. با توجه اهمیت موضوع، هدف از تحقیق حاضر بررسی فضایی فقر شهری و همچنین شناسایی عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی این پدیده در شهر تبریز می‌باشد. در این راستا، روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و رویکرد حاکم بر آن تحلیل فضایی می‌باشد. بدین منظور برای گردآوری داده‌های تحقیق از اطلاعات موجود در بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۵ شهر تبریز و پرسشگری از نخبگان دانشگاهی و مدیران شهری و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از شاخص نزدیکترین همسایه (NNI) و Hot Spot Analysis در نرم‌افزار GIS و همچنین مدل تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پهنه‌های فقیرنشین شهر تبریز در مرکز و حاشیه‌ی شهر گسترش یافته و توزیع این پهنه‌ها بر مبنای شاخص Z خوشه‌ای بوده است. از طرفی دوگانگی فضایی فقر بین شرق و غرب شهر و مناطق حاشیه‌ای و مرکزی قابل مشاهده است. از عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقیرنشین شهر نیز می‌توان در سطح کلان به متغیرهای سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه‌ی توزیع غیرعادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف و در سطح خرد به متغیرهای افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت شهر تبریز و ناکارآمدی

۱. مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری تحت عنوان تحلیلی بر سازمان‌یابی فضایی فقر شهری در ایران (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز)، با همکاری نویسندگان می‌باشد.

بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر تبریز اشاره داشت که به ترتیب ارزش این متغیرها بر مبنای مدل ساختاری ۰/۸۳، ۰/۸۷، ۰/۶۹ و ۰/۶۳ می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** فقر، فقر شهری، سازمان‌یابی فضایی، کلان‌شهر تبریز.

## ۱. مقدمه

از انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ میلادی، جمعیت جهان به‌طور نمایی با سرعت حیرت‌انگیزی افزایش یافته است (وو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱، ص. ۲). افزایش روزافزون جمعیت شهری در تمامی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، سبب رشد توأمان جمعیتی - کالبدی بسیاری از نقاط شهری شده (مارشال<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۵، ص. ۲۸۴) و تقاضای عظیمی نیز برای زیرساخت‌های اساسی و پایه به‌وجود آورده است (اسچوتن و ماتنگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰، ص. ۸۱۵). همچنین این میزان از افزایش جمعیت، باعث بروز مشکلات متعددی همچون نابرابری اجتماعی، توزیع نابرابر فرصت‌های شغلی و اختلاف طبقاتی، بدمسکنی و بی‌مسکنی گردیده و ضعف مدیریتی و ناتوانی دولت‌ها در کنترل این مسائل موجب شکل‌گیری و گسترش محلات فقیرنشین شهری شده است (گیلبرت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴، ص. ۲۵۹؛ ویاری<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۴۲۷). همچنین، می‌توان گفت شهرنشینی سریع در کشورهای در حال توسعه با محدودیت منابع فیزیکی، زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی و همچنین ناکارآمدی سیستم‌های حمایتی باعث افزایش فقر شده است (بیکر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸، ص. ۱۱؛ کوینا<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۹؛ کوهن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۶۴؛ راولیون<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۷، ص. ۱). در این راستا، از اواخر دهه ۱۹۸۰، بحث فقر در کشورهای در حال توسعه با نهادهای ضعیف، مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان متعددی بوده است (آکموغلو و رایینسون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۲، ص. ۲؛ آکموغلو و همکاران، ۲۰۰۱، ص. ۱۳۷۰؛ کالو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴، ص. ۵۲۸؛ نورث<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۰، ص. ۱۴) و کاهش فقر به یک نگرانی جهانی و یکی از مهمترین اهداف کشورهای کم‌درآمد و مؤسسات مالی بین‌المللی تبدیل شده است (سیملر<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۳، ص. ۱). در این بین، یکی از مهمترین عوامل در راستای کاهش فقر شهری، شناسایی دقیق پهنه‌های فقیرنشین در مناطق مختلف و همچنین دلایل ایجاد و گسترش این پهنه‌ها می‌باشد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، هدف از تحقیق حاضر بررسی فضایی فقر در شهر تبریز به‌منظور شناسایی پهنه‌های فقیرنشین و همچنین عوامل مؤثر بر

1. Wu
2. Marshal
3. Schouten & Mathenge
4. Gilbert
5. Vearey
6. Baker
7. Cobbinah
8. Cohen
9. Ravallion
10. Acemoglu & Robinson
11. Kalu
12. North
13. Simler

گسترش این پدیده می‌باشد. در شهر تبریز مانند سایر شهرهای ایران، همزمان با اصلاحات ارضی (۱۳۴۰) و صنعتی شدن کشاورزی، افزایش جمعیت شهری شدت گرفته است. در این بین، مهاجرت جمعیت عظیمی از مناطق روستایی به شهر با مهارت فنی و تحصیلات پایین از یک سو و عدم نظارت بر توسعه فیزیکی از سوی دیگر باعث توسعه نامتوازن شهر تبریز و شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای و فقیرنشین با گسست کالبدی و اجتماعی این مناطق با سایر نقاط شهر شده است. با توجه به وجود نارسایی‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی در این سکونتگاه‌ها، عدم کنترل، مدیریت و ارتقای آنها باعث تحمیل آسیب‌های جدی به کل شهر در ابعاد مختلف خواهد گردید.

می‌توان گفت که در راستای موضوع فقر و فقر شهری در عرصه ملی و بین‌المللی پژوهش‌های متعددی انجام گرفته که خلأ پژوهشی در بین این مطالعات، عدم بررسی عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی فقر با بهره‌گیری از متغیرهای کلان و خرد بوده است. بنابراین تحقیق حاضر با هدف پر کردن این خلأ پژوهشی مورد نگارش قرار گرفته است. در ادامه به مهمترین پژوهش‌های مرتبط با فقر شهری اشاره می‌گردد.

محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به فراتحلیل مطالعات فقر در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش نشان داده شده که بخش عمده‌ای از مطالعات فقر در ایران، مطالعات اقتصادی بوده است که غالباً از دو رویکرد کلی استفاده کرده‌اند: یکی، رویکردهای بررسی‌کننده عوامل فقر و دیگری رویکردهای مربوط به اندازه‌گیری فقر که به نظر می‌رسد عمدتاً مطالعات مکانیکی و به دور از زندگی اجتماعی مردم کوچه‌بازار باشد. رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی به شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که ۱۲/۲ درصد از محلات شهر یزد خیلی فقیر، ۱۹/۵ درصد فقیر، ۲۶/۸ درصد متوسط، ۳۶/۶ درصد مرفه و فقط ۴/۹ درصد در سطح خیلی مرفه قرار دارند. ملکی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی سازمان‌یابی فضایی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر تبریز را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سازمان‌یابی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز در قبل از دهه‌ی ۱۳۴۰، بیشتر بر اثر نیروهای سیاسی-طبیعی، بعد از دهه‌ی ۱۳۴۰، بر اثر عوامل کلان (ساختاری) و نیروهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و بعد از سال ۱۳۶۲، ناشی از عوامل ساختاری و غیرساختاری و نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده است. سازمان‌یابی این سکونتگاه‌ها نیز در سطح شهر تبریز نشان می‌دهد که پهنه‌های غیررسمی شمال شهر دارای سابقه‌ی طولانی‌تر از سایر پهنه‌ها می‌باشد. پهنه‌های جنوب‌غربی نیز مربوط به توسعه‌ی شهر در دوره‌های اخیر و ادغام روستاهای اطراف در متن کلان‌شهر تبریز و دارای سابقه‌ی اندکی می‌باشند. زادولی (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان سنجش الگوی گستردگی فقر شهری با رویکرد آینده‌پژوهی، شهر تبریز را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سه دوره یعنی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ فقر شهری در بلوک‌های آماری به صورت لکه‌ای پراکنده شده و در هر دوره به تعداد بلوک‌های فقیر افزوده شده است. همچنین ۷ عامل کلیدی مهم در ارتباط با الگوی گسترش فقر شهری عبارتند از بیکاری زنان، بیکاری مردان، جمعیت فعال اقتصادی، جمعیت غیرفعال

اقتصادی، فعالیت عمومی، مشارکت اقتصادی زنان و مشارکت اقتصادی. همچنین جمهوری<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان چارچوب مفهومی کاهش فقر شهری، بررسی ادبیات، به این موضوع اشاره دارند که در سال‌های اخیر، یک ادبیات گسترده در تعریف، اندازه‌گیری و تحلیل فقر شهری به وجود آمده است. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که در سیر زمانی، بررسی مفهوم، آسیب‌پذیری و پویایی فقر شهری موجبات شکل‌گیری رویکردها و مباحث کاهش فقر شهری گردیده است. دوکو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به اندازه‌گیری فقر درون‌شهری با استفاده از معیارهای کاربری زمین و پراکنش حاصل از داده‌های سنجش از راه دور در شهر مدلین<sup>۳</sup> کلمبیا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اولاً شکل ظاهری یک شهرک شهری بازتابی از جامعه است و ثانیاً افرادی که در مناطق شهری با شرایط مسکن فیزیکی مشابه زندگی می‌کنند، دارای ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی مشابه هستند. لانجو و مارا<sup>۴</sup> (۲۰۱۸)، در پژوهش خود فقر را در شهرهای کوچک و بزرگ ویتنام مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بایستی سیاست‌گذاری مناسب در مقابله با فقر در شهرهای کوچک به‌منظور جلوگیری از مهاجرت به شهرهای بزرگ و ارتقای دسترسی به خدمات اساسی در این شهرها مدنظر قرار گیرد. میوبا<sup>۵</sup> (۲۰۱۹)، نیز در تحقیق خود تحت عنوان سرمایه‌ی نهادی، فقر شهری و ثروت خانوار، شهر کیپ‌تاون آفریقای جنوبی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌ی نهادی متکی به حاکمیت قانون، خدمات عمومی، نهادهای اقتصادی و رهبری سیاسی بوده و از سرمایه‌ی اجتماعی متمایز می‌باشد. تأکید بیشتر بر حاکمیت قانون و ارائه‌ی خدمات عمومی و نهادهای اقتصادی، ثروت بیشتر خانوارها را به‌دنبال خواهد داشت، درحالی‌که اتکای بیشتر به رهبری سیاسی موجب کاهش ثروت خانوارها و افزایش فقر شهری خواهد گردید.

بررسی ادبیات فقر حاکی از آن است که تاکنون تعریف‌های گوناگونی از فقر بسته به شرایط مکانی و زمانی مختلف بیان شده است (طارمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰). در این بین، فقر شهری بیش از یک سده است که موضوع مورد بحث جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سیاست‌مداران می‌باشد. می‌توان گفت فقر شهری پدیده‌ی چندبعدی است و شهرنشینان به‌خاطر بسیاری از محرومیت‌ها؛ از جمله عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، مسکن و زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت فردی در رنج و مضیقه‌اند (بهاراغلو و کسیدس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲، ص ۲). همچنین فقر شهری با مشخصه‌هایی چون، درجات تجاری‌سازی بالا، خطرات سلامتی و محیطی بالاتر، گسیختگی اجتماعی، جرم و جنایت، تضادها و برخوردها با حکومت و ... شناخته می‌شود (زاینال<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۸۲۸) و ساختار اجتماعی و الگوی فضایی در مناطق شهری را دگرگون می‌کند (لیو و وو<sup>۸</sup>،

1. Chamhuri
2. Duque
3. Medellin
4. Lanjouw & Marra
5. Mueyba
6. Baharoglu & Kessides
7. Zainal
8. Liu & Wu

۲۰۰۶، ص. ۶۱۰). در راستای شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین نظریات مختلفی ارائه شده است. اکولوژیست‌ها شکل‌گیری نواحی فقیرنشین را به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت داده‌اند. نظریه‌پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گروه‌های مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله‌ها ساکن شوند، باز این نواحی فقیر باقی خواهند ماند؛ بنابراین، مشکل این محله‌های فقیرنشین به نواحی خاص آن‌ها بر می‌گردد، نه به افرادی که در این نواحی ساکن‌اند (رن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ص. ۴۱). اسکار لوئیس در دیدگاه فرهنگ فقر بیان می‌کند که فقدان فرصت اقتصادی، باعث به وجود آمدن معایب ساختاری می‌شود که به تغییراتی در فرهنگ اجتماع و شکل‌گیری فقر منجر می‌گردد (کیورلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵، ص. ۲۹). این تغییرات، واکنش‌هایی فرهنگی به دنبال دارد که از طریق وراثت و نسل، درونی می‌گردد و به آینده انتقال می‌یابد (کاپلان<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۳۷). نظریه‌ی انتقادی شهری سازمان اجتماعی شهرها، عقلانیت بروکراتی، روابط و واسطه‌های سیاسی و ایدئولوژیک را از عوامل تأثیرگذار بر گسترش فقر شهری ذکر می‌کند (برنر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰، ص. ۵۵۶). اقتصاد سیاسی فضا، شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین را در جهان سوم معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی از یک‌سو و ویژگی‌های ملی از دیگر سو می‌داند (الحداری و سمّت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴، ص. ۲۱۴). تعارض‌گرایان نیز با تأکید بر تضاد و تنازع گروه‌های مختلف بر سر قدرت، ثروت و منزلت، فرد را در کانون توجه خود قرار داده و هرکسی را مسئول اعمال خود می‌داند (داکلاس و آرا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۲۹). بنابراین از دیدگاه این گروه، ویژگی‌های فردی نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش فقر شهری دارند.

## ۲. روش‌شناسی

### ۲.۱. روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه‌ی حاضر از نظر هدف کاربردی و رویکرد حاکم بر آن تحلیل فضایی می‌باشد. در این راستا، ابتدا با استفاده از بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۵ و با بهره‌گیری از شاخص نزدیکترین همسایه (NNI) و Hot Spot Analysis در نرم‌افزار GIS به بررسی پهنه‌های فضایی فقر در شهر تبریز (در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) پرداخته شده و سپس عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر در شهر با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS مورد بررسی قرار گرفته است. قابل ذکر است به‌منظور تهیه‌ی نقشه‌های شاخص‌های مورد بررسی «۱۴ شاخص تحت عنوان شاخص‌های کالبدی (تراکم جمعیت، تراکم خالص مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی و تراکم اتاق در واحد مسکونی)، شاخص‌های اجتماعی (بعد خانوار، میزان فعالیت عمومی، نسبت جوانی جمعیت، جمعیت باسواد و نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم) و شاخص‌های

1. Ren
2. Curley
3. Kaplan
4. Berner
5. Elhadary and Samat
6. Duclos & Araar

اقتصادی (بار تکفل، نرخ بیکاری، نرخ بیکاری مردان، مشارکت اقتصادی زنان و ضریب اشتغال)، ابتدا در شیب فایل بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۵ شهر تبریز هر یک از لایه‌های شاخص‌ها به فایل‌های رستری (feature to raster) تبدیل گردیده، سپس با طبقه‌بندی آنها (Reclassify) و هم‌پوشانی لایه‌ها، نقشه‌های نهایی به دست آمده است. در بخش دوم تحقیق (شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر) نیز از نخبگان دانشگاهی و مدیران شهری پرسشگری به عمل آمده است که با توجه به مشخص نبودن تعداد حجم جامعه‌ی آماری از فرمول کوهن<sup>۱</sup> در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است.

فرمول کوهن:

$$n = \frac{z^2 S^2}{d^2}$$

در این فرمول  $Z$  یک مقدار ثابت است که به فاصله‌ی اطمینان و سطح خطا ( $\alpha$ ) بستگی دارد. با توجه به تعیین فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصد بنابراین  $d$  برابر ۰/۰۵ و  $Z$  برابر با ۱/۹۶ می‌باشد.  $S$  نیز واریانس نمونه‌ی اولیه می‌باشد که با پرسشگری از ۲۰ نمونه‌ی اولیه از حجم نمونه به دست می‌آید. بر مبنای محاسبات صورت گرفته واریانس نمونه‌ی اولیه ۰/۲۵۵ به دست آمده و با جاگذاری در فرمول فوق حجم نمونه ۱۰۰ نفر برآورد شده که روش دسترسی به این حجم نمونه بر مبنای روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند بوده است.

$$n = (3/8416 \times 0/650) \div 0/0025 = 100$$

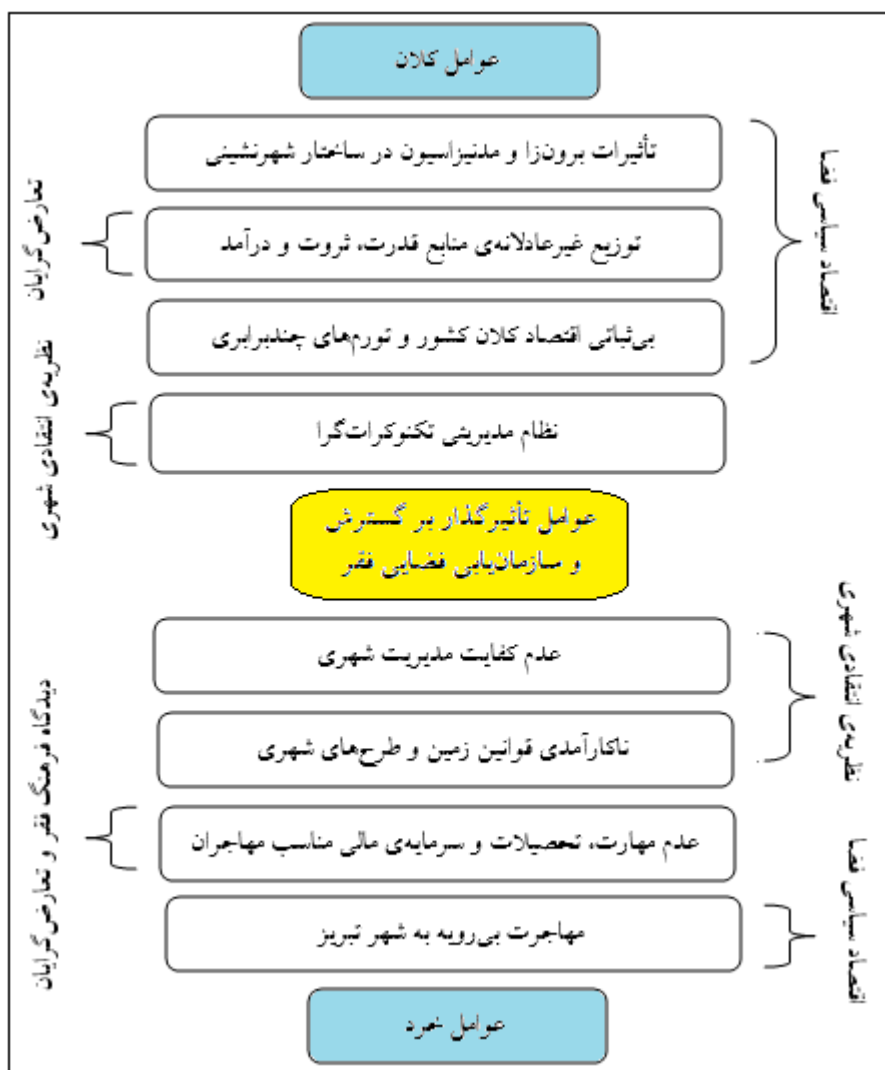
همچنین پرسشنامه‌ی پژوهش حاضر در دو دسته‌ی کلان و خرد تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر در شهر تبریز به شرح جدول شماره ۱ و بر مبنای طیف لیکرت ۵ مقیاسی طراحی شده است.

#### جدول ۱. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر

| متغیرها            | گروه‌ها   |
|--------------------|---|
| عوامل کلان (Macro) | ضعف ساختار شهرنشینی در ایران با توجه به تأثیرات نظام برون‌زا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی Mac1، افزایش دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها Mac2، سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه‌ی توزیع غیرعادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف Mac3، بی‌ثباتی اقتصاد کلان ناشی از شوک‌ها و سیاست‌های نامناسب Mac4، هزینه‌های بالای زندگی در شهرها و افزایش چندبرابری تورم طی سال‌ها و دهه‌های گذشته Mac5، غلبه‌ی روح تکنوکراسی در نظام مدیریتی ایران و در حاشیه قرار گرفتن اقشار کم‌درآمد Mac6، کارایی نداشتن بازار کار و در نتیجه محدودیت در رشد مشاغل Mac7. |
| عوامل خرد (Micro)  | مهاجرت و افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت به شهر تبریز Mic1، عدم مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی مناسب در مهاجرین Mic2، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر تبریز Mic3، عدم سرمایه‌گذاری در شهر برای   |

| متغیرها | گویه‌ها   |
|---------|---|
|         | توسعه‌ی اشتغال به‌ویژه برای افشار کم‌درآمد Mic4، دسترسی ناچیز افشار کم‌درآمد به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن Mic5، عدم کفایت مدیریت شهری در مورد طرح‌های توانمندسازی بافت‌های نابسامان و قوانین زمین Mic6، ناتوانی مدیریت شهری در نظارت و کنترل ساخت‌وسازها و غلبه‌ی باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین Mic7. |

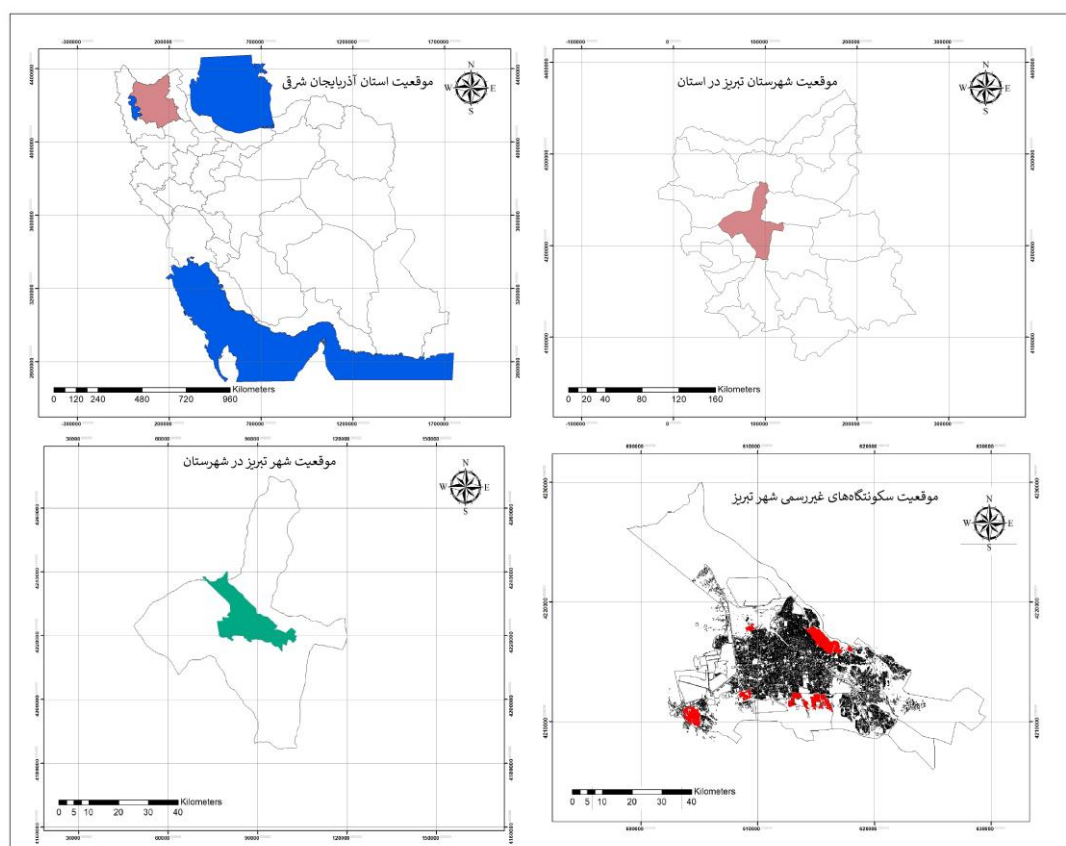
درنهایت با توجه به مطالعات و پژوهش‌های گذشته، همچنین دیدگاه‌های مطروحه در راستای موضوع فقر و گسترش آن، می‌توان مدل مفهومی تحقیق در راستای عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی و گسترش فقر شهری را به شرح شکل شماره ۱ ترسیم نمود.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق (عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر)

## ۲.۲. محدوده مورد مطالعه

در راستای قلمرو پژوهش می‌توان گفت که تبریز، بزرگترین شهر شمال غرب ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی می‌باشد که بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۷۷۳۰۳۳ نفر جمعیت بوده و ششمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، کرج و شیراز محسوب می‌شود. ارتفاع متوسط این شهر از سطح آب‌های آزاد حدود ۱۳۴۰ متر بوده و از نظر موقعیت جغرافیایی در ۴۱ درجه و ۲۵ دقیقه‌ی طول شرقی و ۳۸ درجه و ۲ دقیقه‌ی عرض شمالی از نصف‌النهار مبدأ قرار دارد. بررسی رشد فیزیکی و جمعیتی تبریز نشان می‌دهد که در فاصله زمانی ۶۰ ساله (۱۳۳۵-۱۳۹۵)، مساحت این شهر از ۱۱۷۰ هکتار به ۱۹۰۰۰ هکتار و جمعیت آن از ۲۸۹۹۹۶ نفر به ۱۷۷۳۰۳۳ نفر رسیده است. یعنی جمعیت آن قریب به ۶ برابر و توسعه‌ی فیزیکی آن حدود ۱۶ برابر رشد داشته است. همچنین بیش از ۴۰۰ هزار نفر<sup>۱</sup> از جمعیت شهر در سکونتگاه‌های غیررسمی در چهار پهنه‌ی شمال، جنوب، شمال غرب و جنوب غرب اسکان و گسترش یافته‌اند.



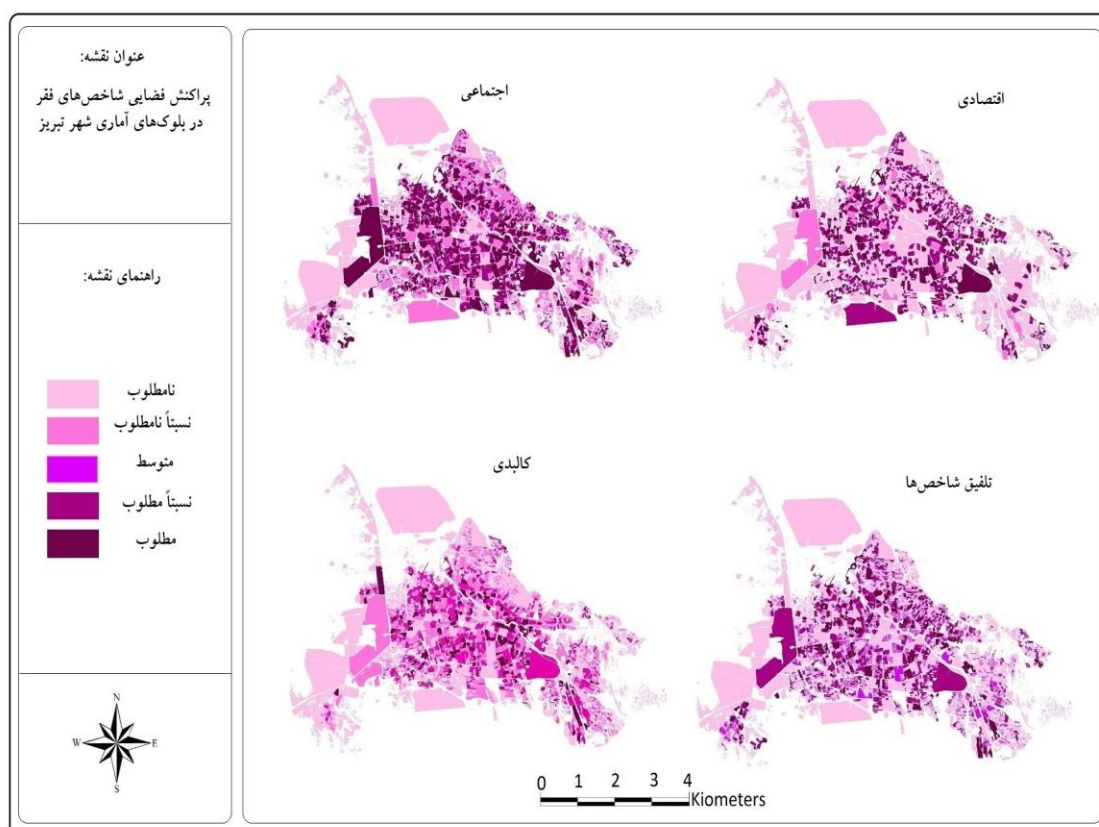
شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر تبریز و سکونتگاه‌های غیررسمی آن

۱. اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی (۱۳۹۴) گزارش وضعیت مناطق نابسامان شهری و عملکرد ستادهای استانی و شهرستانی، دبیرخانه‌ی ستاد بازآفرینی پایدار محدوده‌ها و محلات هدف استان آذربایجان شرقی.



## ۳. یافته‌ها

در راستای تحلیل فضایی فقر در شهر تبریز، پس از تبدیل اطلاعات بلوک‌های آماری شهر به لایه‌های رستری در شاخص‌های مختلف و تجمیع این لایه‌ها در فایل نهایی، وضعیت شهر تبریز از منظر فقر به شرح شکل شماره ۳ آمده است.



شکل ۳. وضعیت بلوک‌های شهر تبریز از منظر شاخص‌های سنجش فقر

بر مبنای شکل شماره ۳ می‌توان گفت که مناطق مرکزی و حاشیه‌ای شهر تبریز در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و پهنه‌های فقیرنشین شهر تبریز در مرکز و حاشیه‌ی شهر به‌ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده جای گرفته‌اند.

همچنین به‌منظور شناسایی الگوی توزیع فضایی پهنه‌های فقر شهری در تبریز نیز از شاخص نزدیکترین همسایه (NNI)<sup>۱</sup> استفاده شده است. اگر نتیجه‌ی آزمون شاخص نزدیکترین همسایه برابر با یک باشد، داده‌های مورد مطالعه به صورت تصادفی توزیع شده است، اگر نتیجه کوچکتر از یک باشد بیانگر خوشه‌ای بودن پراکنش داده‌ها و اگر

1. Nearest Neighbor Index

نتیجه بزرگتر از یک باشد، نشانگر توزیع یکنواخت و تصادفی داده‌ها است. همچنین اگر شاخص Z عدد کمتر از ۱ و منفی باشد نیز نشان دهنده‌ی توزیع خوشه‌ای می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون شاخص نزدیکترین همسایه برای داده‌های مورد مطالعه حاکی از آن است که ارزش آزمون شاخص نزدیکترین همسایه و همچنین شاخص Z در آزمون برای مؤلفه‌های مورد مطالعه کمتر از یک بوده و نشان از توزیع خوشه‌ای پهنه‌های فقیرنشین در شهر تبریز دارد.

جدول ۲. شاخص نزدیکترین همسایه و نمره Z برای نقاط فقیرنشین در شهر اردبیل

| Z-score | P-value | شاخص نزدیکترین همسایه | شاخص‌ها |
|---------|---------|-----------------------|---------|
| -۲/۷۵۶  | ۰/۰۰۰   | ۰/۲۳۹                 | کالبدی  |
| ۰/۰۰۹   | ۰/۰۲۱   | ۰/۶۰۳                 | اجتماعی |
| -۱/۹۰۶  | ۰/۰۰۸   | ۰/۳۸۱                 | اقتصادی |
| -۲/۲۴۵  | ۰/۰۰۳   | ۰/۴۱۷                 | مجموع   |

به منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فقر شهری در تبریز نیز از نرم‌افزار مدل‌سازی معادلات ساختاری AMOS گرافیک استفاده شده است. برای این منظور ابتدا ارتباط ساختاری جزئی برای این رابطه و سپس صورت کلی و نهایی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباط ساختاری جزئی یا درونی به ارزیابی ارتباط ساختاری ناشی از میزان تأثیر متغیرهای کلان و خرد به عنوان متغیر مستقل بر روی گسترش و سازمان‌یابی فقر شهری در تبریز به عنوان متغیر وابسته بوده که برای ورود به بحث کلی و نهایی ابتدا مورد جداگانه قرار گرفته است.

جدول ۳. تحلیل پایایی تبیینی متغیر مستقل و وابسته در مدل‌سازی معادلات ساختاری

| متغیرها                           | CR <sup>۱</sup> | AVE <sup>۲</sup> | CA <sup>۳</sup> | P       | Mac    | Mic   |
|-----------------------------------|-----------------|------------------|-----------------|---------|--------|-------|
| گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر (P) | ۰/۷۱            | ۰/۶۳۲            | ۰/۸۳            | ۰/۸۴۵   | -      | -     |
| عوامل کلان (Mac)                  | ۰/۷۴            | ۰/۶۵۱            | ۰/۷۸            | **۰/۶۳۷ | ۰/۸۰۷  | -     |
| عوامل خرد (Mic)                   | ۰/۷۶            | ۰/۶۵۵            | ۰/۷۴            | **۰/۶۱۴ | *۰/۵۹۳ | ۰/۷۸۱ |

\*\*p < 0.01; \*p < 0.05.

ورود عوامل تبیین‌کننده‌ی ارتباط ساختاری برای ارزیابی نقش متغیرهای کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر تبریز نشان می‌دهد میزان پایایی ترکیبی (CR) و ضریب پایایی (CA) به دست آمده بیش از ۰/۷ و میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) که در قطر خطی جدول شماره ۳ مشخص شده است بیش از ۰/۶ می‌باشد.

1. Composite Reliabilities
2. Average Variance Extracted
3. Cronbach's Alpha

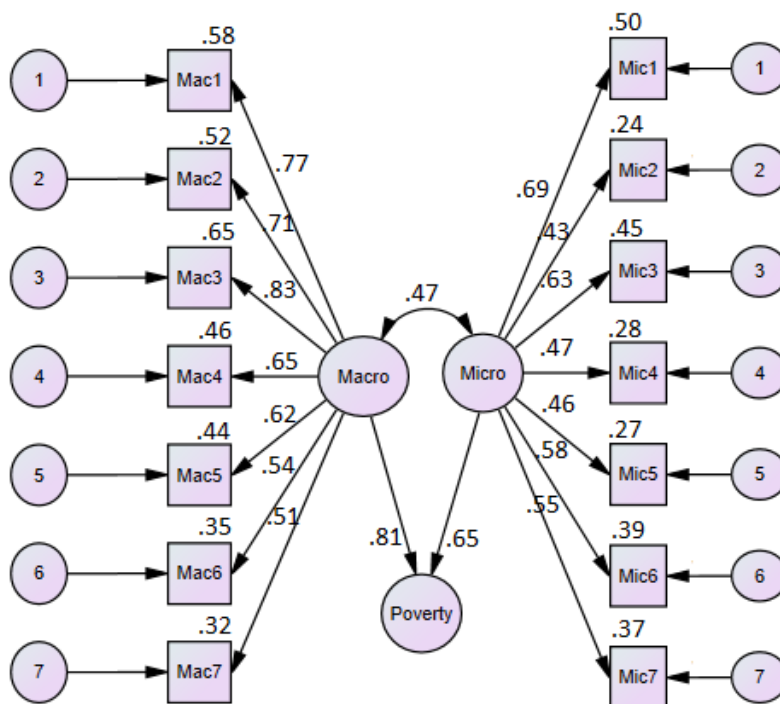
همچنین همبستگی متغیرهای تحقیق که با رنگ تیره مشخص گردیده است در بازه ۰/۷۸ تا ۰/۸۵ بوده که ورود عوامل را برای تبیین گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر تبریز به میزان قابل ملاحظه‌ای تشریح می‌کند.

جدول ۴. آماره‌ی ساختار عاملی تأییدی ارتباط ساختاری متغیرهای مستقل و وابسته

| متغیرها                           | $\chi^2$ | df | P     | $\chi^2/df$ | CFI   | IFI   | RMSEA |
|-----------------------------------|----------|----|-------|-------------|-------|-------|-------|
| گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر (P) | ۲۲۴/۷۳   | ۹۹ | ۰/۰۰۰ | ۲/۲۷        | ۰/۹۱۷ | ۰/۹۳۱ | ۰/۰۳  |
| عوامل کلان (Mac)                  | ۲۳۱/۶۶   | ۹۹ | ۰/۰۰۰ | ۲/۳۴        | ۰/۹۴۵ | ۰/۹۱۶ | ۰/۰۲  |
| عوامل خرد (Mic)                   | ۲۳۵/۶۲   | ۹۹ | ۰/۰۰۱ | ۲/۳۸        | ۰/۹۲۳ | ۰/۹۲۸ | ۰/۰۵  |

مهم‌ترین سنجه‌های شکل‌دهنده‌ی آماری در ساختار عاملی تأییدی سنجه‌ی خی دو یا کای اسکوتر ( $\chi^2$ ) نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی، شاخص برازش تطبیقی<sup>۱</sup> (CFI) و شاخص برازش افزایشی<sup>۲</sup> (IFI) و در نهایت ریشه‌ی میانگین مربعات تقریبی<sup>۳</sup> (RMSEA) می‌باشد. این سنجه‌ها دارای مقدار معینی بوده که تحلیل را معنادار ساخته و به تشریح ارتباط ساختاری متغیرهای به‌دست آمده می‌پردازد. به علت متورم شدن میزان کای اسکوتر در نمونه‌های تحلیلی، اکثر تحلیل‌گران از نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی استفاده می‌کنند که نمونه‌های دقیق تحلیل شده برای شناسایی ساختار را به‌دست می‌دهد. مقدار این نسبت باید ترکیب نیمی از داده‌ها را دربر گیرد. به دیگر سخن نباید کمتر از دو باشد تا بتوان به معناداری داده‌های به کار رفته اطمینان داشت. نتایج تحلیل ساختار ارتباطی سه متغیر شناسایی شده در این سنجه نشان از قابل قبول بودن آن دارد. شاخص‌های برازش تطبیقی و افزایشی مطابق با استانداردهای آماری تعیین شده هرچه به سمت ۱ میل کنند برازش از سطح نکویی بالایی برخوردار خواهد بود. نتایج این دو شاخص برای متغیرها و تبیین ارتباط ساختاری آن‌ها قابل قبول به‌دست آمده است. شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز آخرین سنجه‌ی ساختارشناسی در این مرحله است که در الگوهای قابل قبول مقدار ۰/۰۸ یا کمتر دارد. برازش الگوهایی که مقادیر بالاتر از ۰/۱ دارند، ضعیف برآورد می‌شوند. همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوی اندازه‌گیری کمتر از ۰/۰۸ است که نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب الگوها، توسط داده‌ها است. در نهایت، با توجه به مطالب یادشده می‌توان نتیجه گرفت الگوهای اندازه‌گیری برازش خوبی دارند و به این معناست که متغیرهای آشکار به‌خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند.

1. Comparative Fit Index
2. Incremental Fit Index
3. Root-Mean-Square-Error of Approximation



شکل ۴. معماری ساختار ارتباطی تأثیر متغیرهای کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر

بر اساس نتایج به‌دست آمده تأثیرگذاری متغیرهای کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر شهری در تبریز به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۶۵ می‌باشد. همچنین در بین متغیرهای فرعی کلان بیشترین تأثیرگذاری بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر تبریز مربوط به متغیرهای سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه‌ی توزیع غیرعادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف، ضعف ساختار شهرنشینی در ایران با توجه به تأثیرات نظام برونزا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی و افزایش دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها به ترتیب با ارزش ۰/۸۳، ۰/۷۷ و ۰/۷۱، و در بین متغیرهای فرعی خرد مهاجرت و افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت به شهر تبریز و ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر تبریز با ارزش ۰/۶۹ و ۰/۶۳ می‌باشد.

پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون معناداری فرضیه‌ها دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و  $P$  به کار گرفته شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی می‌بایست بیشتر از ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو، با اهمیت شمرده نمی‌شود. همچنین، مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار  $P$  حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان است. بر اساس نتایج مدل مقدار بحرانی برای متغیرهای کلان ۳/۴۲۱ و متغیرهای خرد ۲/۸۵۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است.

## ۴. بحث

فقر شهری پدیده‌ای چندبعدی است که افراد بی‌بضاعت شهری را با محرومیت‌ها و محدودیت‌های مختلف زندگی و چالش‌های روزمره همچون محدودیت در دسترسی به فرصت‌های اشتغال و درآمد، مسکن و خدمات ناکافی و ناامن، محیط‌های خشن و ناسلامت، فقدان سازوکارهای حمایت اجتماعی و دسترسی محدود به فرصت‌ها و خدمات آموزشی و بهداشتی مواجه می‌سازد. این مسائل و چالش‌های موجود برای فقرای شهری ریشه در عدم توزیع عادلانه و دسترسی به منابع، سیاست‌گذاری ناکافی دولتی و حکومتی در دو سطح کلان و خرد و نقصان در برنامه‌ریزی و مدیریت رشد دارد. از این‌رو، می‌توان گفت که شکل‌گیری و گسترش فقر در برخی موارد ناشی از نابرابری‌های موجود در جامعه می‌باشد. در این راستا، برخی محققین اعتقاد دارند که نابرابری‌های به وجود آمده، ناشی از توسعه‌ی مبتنی بر نابرابری است. بر این اساس، شهرها دوقطبی شده و گروهی همه‌ی ثروت و قدرت اقتصادی و اجتماعی در اختیار داشته و بخش زیادی نیز در حاشیه قرار گرفته و فاقد هر نوع قدرت و ثروت لازم هستند (صابری‌فر، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۵-۱۴۴). از طرفی برخی از مکتب‌ها همچون اکولوژیست‌ها و تعارض‌گرایان گسترش فقر را ناشی از ویژگی‌های فردی فقیران و مناطقی که در آن ساکن‌اند، بیان کرده‌اند. به هر حال، گسترش فقر شهری و سازمان‌یابی آن در شهرهای امروزی ناشی از عوامل کلان و خرد متعددی می‌باشد که یکی از مهمترین آنها توسعه‌ی مبتنی بر نابرابری و عدم تحقق عدالت فضایی و اجتماعی است. در شهر تبریز طی دهه‌های اخیر با توجه به سیاست‌های کلان دولتی و برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نامناسب شاهد افزایش اقشار کم‌درآمد و فقیر شهری می‌باشیم که اکثراً مناطق حاشیه‌ای و زمین‌های غیررسمی را برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند. عوامل متعددی بر افزایش قشر فقیر و سازمان‌یابی پهنه‌های فقیرنشین در تبریز تأثیرگذارند که در سطح کلان می‌توان به ضعف ساختار شهرنشینی در ایران و بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی، اصلاحات ارضی و سرازیر شدن جمعیت روستاهای استان به سمت شهرها به‌ویژه شهر تبریز، عدم توزیع عادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی اقشار شهر، ناتوانی و عدم کارایی اقتصاد کلان کشور و افزایش چندبرابری تورم طی سال‌ها و دهه‌های گذشته، عدم کارایی بازار کار و در سطح خرد به عدم مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی مناسب مهاجران شهر تبریز و گرایش آنها به مناطق حاشیه‌ای و غیررسمی، عدم کارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن و سرمایه‌گذاری برای توسعه‌ی اشتغال مناسب در شهر تبریز، مناسب نبودن قوانین زمین و طرح‌های توسعه‌ی شهری و همچنین حاکمیت رویکرد متمرکز و تکنوکراسی در نظام مدیریتی شهر همچون سایر شهرهای ایران و نقش پررنگ دلالان و سوداگران زمین در کنترل قیمت زمین و مسکن نقاط مختلف شهر اشاره کرد.

می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر با توجه به بهره‌گیری از متغیرهای کلان و خرد و دیدگاهی جامع به‌دنبال شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر تبریز بوده و با توجه به شرایط یکسان اکثر شهرهای بزرگ ایران در چند دهه‌ی اخیر (به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی) قابل تعمیم به شهرهای دیگر نیز بوده است. با این حال، محدودیت‌هایی نیز در انجام تحقیق، با توجه به چندبعدی بودن مفهوم فقر و بهره‌گیری از شاخص‌های مختلف

در سنجش این پدیده از یک سو و همچنین تفاوت‌های موجود بین مفهوم فقر و نابرابری از سوی دیگر وجود داشته است. به طور کلی نیز بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر در توزیع پهنه‌های فقیرنشین و سازمان‌یابی این پهنه‌ها در شهر تبریز همسو با نتایج مطالعات و پژوهش‌های ملکی و همکاران (۱۳۹۵)، در راستای تأثیر عوامل کلان و خرد در سازمان‌یابی فضایی و گسترش این پهنه‌ها، زادولی (۱۳۹۷)، خوشه‌ای بودن پهنه‌های فقیرنشین، و میوبا (۲۰۱۹)، عدم کارایی ساختارهای کلان کشوری و مدیریت شهری بر افزایش فقر شهری می‌باشد. از طرفی نتایج حاصل تأییدی بر نظریات و دیدگاه‌های مکتب اقتصاد سیاسی فضا، یعنی تأثیر الگوی توسعه‌ی وابسته و برونزا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون بر گسترش فقر و در نتیجه انتقال فقر و محرومیت روستا به شهر و دیدگاه تعارض‌گرایان و نظریه‌ی انتقادی شهری یعنی شکل‌گیری پهنه‌های فقر ناشی از عدم کفایت مدیریت شهری و حاکمیت رویکرد تکنوکراسی و همچنین عدم مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی مناسب مهاجران می‌باشد.

#### ۵. نتیجه‌گیری

بررسی‌های به عمل آمده در راستای تحلیل فضایی فقر در شهر تبریز حاکی از آن است که سیاست‌های نامناسب در حوزه‌ی کلان و همچنین کاستی در نظام مدیریتی شهر و شکل‌گیری نابرابری‌های توسعه‌ای از یک سو و ویژگی‌های فردی فقیران (مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی) از سوی دیگر باعث سازمان‌یابی و گسترش پهنه‌های فقر در شهر تبریز گردیده و جهت‌یابی آنها به سمت مناطق حاشیه‌ای، مرکز و تا حدودی غرب شهر بوده است و بیشتر بافت‌های فرسوده و غیررسمی را شامل می‌شود. همچنین جهت سازمان‌یابی پهنه‌های فقر موجب قطبی شدن شهر در برخورداری از امکانات و خدمات شهری گردیده و مناطق غربی و حاشیه‌ای را در برابر مناطق مرکزی و شرق شهر قرار داده است. عواملی مختلفی طی چند دهه‌ی اخیر به ویژه پس از اصلاحات ارضی و صنعتی شدن کشاورزی تا عصر حاضر بر گسترش و سازمان‌یابی پهنه‌های فقیر در شهر تبریز تأثیرگذار بوده است که در حوزه‌ی کلان می‌توان به عدم تعادل در نظام شهری و روستایی و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها، عدم دسترسی عادلانه به منابع قدرت، ثروت و درآمد، بی‌ثباتی اقتصاد کلان ناشی از شوک‌ها و سیاست‌های نامناسب و افزایش چندبرابری تورم طی سال‌ها و دهه‌های گذشته و در حوزه‌ی خرد به افزایش مهاجران به شهر تبریز با مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی پایین، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر، ناتوانی نظام مدیریتی شهر در توسعه‌ی اشتغال، توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و نظارت بر کنترل ساخت‌وسازها اشاره کرد.

با توجه به گسترش پدیده‌ی فقر شهری در تبریز طی دهه‌های گذشته و همچنین شدت یافتن آن به ویژه در سال‌های اخیر با توجه به تحریم‌های گسترده‌ی بین‌المللی علیه ایران از یک سو و شیوع و گسترش پاندمی کرونا و افزایش مشکلات اقتصادی بین اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه از سوی دیگر می‌توان راهکارهای زیر را در راستای بهبود وضعیت موجود شهر هر چند به صورت جزئی به کار بست:

• سیاست‌های کلان در حوزه‌ی برنامه‌ریزی داخلی و روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران نیازمند بازنگری بوده و با توجه به وضعیت موجود ایران در عرصه‌ی بین‌المللی و تحریم‌های گسترده از یک‌سو و پاسخ‌گو نبودن توجه صرف به نفت در ارزآوری و بودجه‌بندی کشور، تغییرات در ساختارها و همچنین الگوهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور در راستای دستیابی به یک منبع درآمدی پایدار به منظور افزایش اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت معیشتی مردم و ایجاد برنامه‌هایی در راستای تحقق روابط سیاسی مناسب با کشورهای همسایه و شکل‌گیری تفاهم‌نامه‌های همکاری‌های اقتصادی دوجانبه و چندجانبه و تغییر نقش دولت از رویکردهای اجرایی به سیاست‌گذاری و نظارتی و واگذاری فعالیت‌های اجرایی به سازمان‌ها و نهادهای خصوصی و مردمی در راستای توسعه‌ی شاخص‌های انسانی اجتناب‌ناپذیر ضرورتی می‌باشد. همچنین برنامه‌ریزی منطقه‌ای با رویکرد آمایش سرزمین باید در دستورکار سازمان‌های دولتی و اجرایی کشور قرار گیرد تا با توسعه‌ی مناطق مختلف کشور (روستاها، شهرهای کوچک و میانی و مادرشهرها و کلان‌شهرها) تا حدود زیادی از مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ جلوگیری به عمل آید.

• در حوزه‌ی خرد و نظام مدیریتی شهر تبریز می‌توان عنوان کرد که توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و فقیر شهر بایستی با دیدگاه چندبعدی (و عدم توجه صرف به ابعاد کالبدی) صورت پذیرد. در سال‌های اخیر ایجاد دفاتر تسهیل‌گری در بافت‌های فرسوده و غیررسمی اجرایی شده و هدف از آنها توانمندسازی این اجتماعات می‌باشد. این امر به‌نحوی علاوه بر توسعه‌ی نهادهای اجتماعی-فرهنگی به دنبال تحقق‌پذیری رویکرد مشارکت و همچنین افزایش اعتماد مردم به مسئولان شهری می‌باشد. در طرح جامع شهر (مصوب سال ۱۳۹۵) راهبردهایی همچون گسترش خدمات پزشکی-گردشگری و توسعه‌ی روابط با کشورهای حوزه‌ی قفقاز و ترکیه تنها قشر معدودی از جامعه را پوشش می‌دهد و نتایج آن برای همه‌ی افراد جامعه قابل دسترسی نمی‌باشد. از این رو ضروری است که منافع حاصل از این راهبردها در صورت اجرایی‌شدن، به کلیه‌ی شهروندان و سطوح شهر اختصاص یابد و به سمت دهک‌های بالای جامعه سوق نیابد. از طرفی طرح‌های شهری از حالت ایستا و جامع به طرح‌های راهبردی پویا تغییر یافته و با بهره‌گیری از نیروهای مستعد بودمی به تهیه‌ی این طرح‌ها اقدام نمود (در حال حاضر طرح‌های توسعه‌ی شهر تبریز توسط مهندسين مشاور غیربومی تهیه می‌گردد). همچنین بایستی به تغییر در شیوه‌های مدیریت شهر همچون عدم برنامه‌ریزی برای موضوعات و جزئیات برنامه‌ناپذیر، استفاده از روش‌شناسی برنامه‌ریزی استراتژیک و الگوی طرح‌های راهبردی-ساختاری، توجه به نظرات کارشناسان رشته‌های مرتبط و توجه به موضوع‌شناسی مناسب طرح‌های توسعه در ابعاد مختلف و کاهش نابرابری اقدام نمود.

## کتابنامه

۱. رضایی، م.ر.، علیان، م.، و خاوریان، ا. (۱۳۹۳). شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضای فقر شهری در شهر یزد. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۳ (۴۶)، ۶۹۵-۶۷۷.
۲. زادولی، ف. (۱۳۹۷). سنجش الگوی گستردگی فقر شهری با رویکرد آینده‌پژوهی، نمونه موردی: کلان‌شهر تبریز. رساله‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تبریز: دانشگاه تبریز.
۳. صابری‌فر، ر. (۱۳۹۹). واکاوی احساس نابرابری و اثر آن بر مشارکت شهروندان در اداره‌ی کلان‌شهرها (موردشناسی: شهر مشهد). جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، ۱۰ (۳۵)، ۱۶۲-۱۴۳.
۴. طارمی، ع. (۱۳۸۷). سنجش فقر شهری در محله‌ی اسلام‌آباد زنجان با استفاده از GIS. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، زنجان: دانشگاه زنجان.
۵. کاپلان، د.، اچم جیمز، ا.، و ویلرم استیون آر، ه. (۱۳۹۱). جغرافیای شهری. ترجمه‌ی حسین حاتمی‌نژاد و عبدالمطلب برات‌نیا. تهران: انتشارات سمت.
۶. محمدی، م.ع.، ودادهیر، ا.، سیفی، ع.، و مشتاق، ر. (۱۳۹۱). فراتحلیل مطالعات فقر در ایران. رفاه اجتماعی، ۱۲ (۴۵)، ۷-۴۸.
۷. ملکی، س.، امان‌پور، س.، و زادولی خواجه، ش. (۱۳۹۵). سازمان‌یابی فضایی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در کلان‌شهر تبریز. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۵ (۱)، ۸۷-۱۰۴.
8. Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity and poverty*. New York: Crown Business.
9. Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J.A. (2001). The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *American Economic Review*, 91, 1369-1409.
10. Baharoglu, D. & Kessides, C. (2002). *Urban Poverty*. Volume 2 – Macroeconomic and Sectoral Approaches, Chapter 16 – Urban Poverty, pp. 124-159.
11. Baker, J.L. (2008). *Urban poverty: A global view*. Urban papers; no. UP-5. Washington, DC: World Bank.
12. Berner, E. (2000). Poverty alleviation and the eviction of the poorest: towards urban land reform in the Philippines. *International Journal of Urban and Regional Research*, 24(3), 554-566.
13. Chamhuri, N.H., Abdul Karim, H., & Hamdan, H. (2012). Conceptual framework of urban poverty reduction: A review of literature. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 68, 804-814.
14. Cobbinah, P.B., Erdiaw-Kwasie, M.O., & Amoateng, P. (2015). Rethinking sustainable development within the framework of poverty and urbanisation in developing countries. *Environmental Development*, 13, 18-32.
15. Cohen, B. (2006). Urbanisation in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability. *Technology in Society*, 28, 63-80.
16. Curley, A. (2005). *Theories of urban poverty and implications for public housing policy*. J. Soc. & Soc. Welfare.
17. Duclos, J. Y., & Araar, A. (2006). *Poverty and equity: Measurement policy and estimation with DAD*. New York: Springer.



18. Duque, J.C., Patino, J.E., Ruiz, L.A., & Pardo-Pascual, J.E. (2015). Measuring intra-urban poverty using land cover and texture metrics derived from remote sensing data. *Landscape and Urban Planning*, 135, 11-21.
19. Elhadary, Y. A. E., & Samat, N. (2014). Political economy and urban poverty in the developing countries: Lessons learned from Sudan and Malaysia. *Journal of geography and Geology*, 4(1), 212-223.
20. Gilbert, A. (2014). *Environment studies*. Chapter 5:6 - Housing the Urban Poor in The companion to development studies, pp 257-262.
21. Kalu, K.N. (2004). Embedding African democracy and development: The imperative of institutional capital. *International Review of Administrative Sciences*, 70(3), 527-545.
22. Lanjouw, P., & Marra, M.R. (2018). Urban poverty across the spectrum of Vietnam's towns and cities. *World Development*, 110, 295-306.
23. Liu, Y. & Wu, F. (2006). Urban Poverty Neighborhoods: Typology and Spatial Concentration under China's Market Transition, a Case Study of Nanjing. *Geoforum*, 37(4), 610-626.
24. Marshall J.D., McKone, T.E., Deakin, E. & Nazaroff, W.E. (2005). Inhalation of motor vehicle emissions: effects of urban population and land area. *Atmospheric Environment*, 39(2), 283-295.
25. Muyebe, S. (2019). Institutional capital, urban poverty and household wealth in Cape Town. *World Development Perspectives*, 16(123), 1-13.
26. North, D. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Ravallion, M., Chen, S., & Sangraula, P. (2007). *New evidence on the urbanisation of global poverty*. In Policy research paper No. 4199. Washington, D.C: World Bank.
28. Ren, C. (2011). *Modeling poverty dynamics in moderate-poverty neighborhoods: a multi-level approach*. Doctoral dissertation, The Ohio State University.
29. Schouten, M.A.C. & Mathenge, R.W. (2010). Communal sanitation alternatives for slums: a case study of Kibera, Kenya. *Journal of Physics and Chemistry of Earth*, 35(13-14), 815-822.
30. Simler, K., Harrower, S., & Massigarela, C. (2003). *Estimating poverty indices from Simple indicators surveys*. Development Research Group World Bank, Washington Dc, USA
31. Vearey, J., Thomson, K., Sommers, T., & Sprague, C. (2017). Analysing local-level responses to migration and urban health in Hillbrow: the Johannesburg Migrant Health Forum. *BMC public health*, 17(3), 427.
32. Wu, J.G., Jenerette, G.D., Buyantuyev, A., & Redman, C.L. (2011). Quantifying spatiotemporal patterns of urbanization: The case of the two fastest growing metropolitan regions in the United States. *Ecological Complexity*, 8, 1, 1-8.
33. Zainal, N.R., Gurmit, K., NorAisah, A., & Jamaliah M.K. (2012). Housing conditions and quality of life of the urban poor in Malaysia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 15(50), 827 - 838.